



Analyzing the Meaning of the Article "Ha-Se-Ba" in Explaining the Quality of Calculation of Actions

Habibollah Halimi
jeloudar

Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran

Fatemeh Ghorbani
Lakterashani

Visiting lecturer of Mazandaran University
Department of Education

Abstract


The calculation of actions is one of the topics that influence the thought and action of every Christian and can be defined and explained in the relationship between man and God. In order to understand the quality of calculation of actions and rational inferences from the category of accounting and books, the classification of nominal and current uses of the article (Ha Sin Ba) in the Qur'an was done. The present article, which is based on the method of description, interpretation and analysis, by examining the verses, has inferred and documented two methods from the Holy Qur'an. One, the evaluation of actions by each component; In this way, first the human being is punished for his bad deeds, then he settles in God's paradise with a degree. The second one is the evaluation in the way of getting the grade point average, In this way, about every human being, his rank and degree is determined by the actions of the components that affect the actions of the human being. Also, the theory of objective visualization of human actions as the chosen view of the research, in the intersection with the semantic analysis of calculation in the Qur'an, leads to the proof of average evaluation.


* Corresponding Author: jloudar@umz.ac.ir

How to Cite: Halimi, H., Ghorbani Lakterashani, F. (۲۰۲۳). Analyzing the Meaning of the Article "Ha-Se-Ba" in Explaining the Quality of Calculation of Actions, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, ۱۳(۰۱), ۲۷-۰۶.

Keywords: Calculation Quality, Visualization of Actions, Part-by-Part Calculation, Grade Point Calculation.

واکاوی معنایی ماده «ح س ب» در تبیین کیفیت محاسبه اعمال

حبیب‌الله حلیمی جلودار *  دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

فاطمه قربانی لاکتراشانی  دانشجوی پسادکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

چکیده

محاسبه اعمال از موضوعات تأثیرگذار بر اندیشه و کنش هر معادباوری بوده و در ارتباط میان انسان و خداوند قابل تعریف و تبیین می‌باشد. با بررسی آیات، دو روش در محاسبه و جزایب‌خشی قابل استنباط و فرضیه‌سازی است: یکی ارزیابی جزء به جزء اعمال؛ که به ازای آن انسان، جزای اعمال ناپسند خویش را گذرانده و سپس با کسب درجه‌ای در بهشت ساکن می‌گردد. دوم، ارزیابی به شیوه معدل‌گیری است، بدین گونه که درباره هر انسانی با اعمال مؤلفه‌های مؤثر بر نامۀ عملش، رتبه و درجه او مشخص می‌گردد. نوشته حاضر که بر شیوه توصیف و تحلیل استوار است، جهت حل مسأله فوق و استنباط متقنی از مقوله محاسبه، ابتدا به واکاوی معنایی و دسته‌بندی کاربردهای اسمی و فعلی ماده (ح س ب) در قرآن پرداخته و در ادامه، صورت‌های قابل فرض بر مقوله تجسم اعمال نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان این نتیجه حاصل می‌گردد که از بین نظرات فوق، دیدگاه رابطه تکوینی در تجسم اعمال در تلاقی با دیدگاه ارزیابی معدلی، دارای صورتی عقلانی، قابل انطباق با آیات و روایات و همسو با دیدگاه برگزیده فلاسفه اسلامی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: کیفیت محاسبه، تجسم اعمال، محاسبه جزء به جزء، محاسبه معدل‌گیری.

مقاله حاضر برگرفته از رساله پست دکتری با عنوان «بررسی رویکرد معامله در سنجش اعمال در آیات قرآن» است.

* نویسنده مسئول: jloudar@umz.ac.ir

۱. مقدمه

مطالعه معنای «حساب» در قرآن، تنها با بررسی واژگان در قاموس‌ها، به نتیجه متقنی از غرض الهی، در کیفیت «محاسبه اعمال» منتهی نمی‌گردد. حال آنکه باید از «واژه» به مثابه سرنخی جهت ورود به متن، بهره برده و برگشتی از متن به «واژه» صورت گیرد تا وضعیت و موقعیت‌های جدیدی از معنای «حساب» حاصل شود. آیات قرآن کریم در ایجاد چالش مداوم با اندیشه‌های مخاطبان عصر نزول و نیز تفکرات آیندگان، به ویژه در موضوعات مرتبط با قیامت که ارتباط بشر با فضاها، مطرح، تنها از طریق تصور و تبیین، قابل لمس است، از طرح‌واره‌های رایج معامله، بهره برده است. در مقاله حاضر، به بازخوانی پیام‌های خداوند به انسان، در خصوص محاسبه اعمال پرداخته شده است.

یکی از موضوعات قابل بحث در حوزه محاسبه اعمال، نحوه وزن‌کشی و معدل-گیری اعمال است که دو شیوه قابل فرض آن عبارتند از: ابتدا انسان به سزای تمام افعال و اعمال ناپسند خود رسیده و سپس با توجه به میزان اعمال، به یک درجه از جایگاه خود در بهشت وارد می‌شود، مگر اینکه هیچ عمل صالحی نداشته و یا به جهت فساد عقیده در جهنم ماندگار شود؛ یا اینکه تمامی اعمال ناپسند و نیک انسان، با محاسبات مشخص و بعد از معدل‌گیری نهایی، در زندگی ابدی خود که درجه‌ای از بهشت یا در که‌ای از جهنم باشد، جای گیرد.

در میان متنی‌هایی که از جهت کاربرد ماده (ح س ب) شایسته مطالعه در قرآن باشد، صد و یازده مورد انتخاب شده‌اند که پس از دسته‌بندی کاربردهای اسمی و فعلی این ماده در قرآن و درک معانی هر حوزه و در ارتباط با مقوله محاسبه، به تبیین مواردی پرداخته شد که نحوه معامله میان خدا و انسان و شیوه حساب و کتاب، گفت‌وگو و اطلاعی تازه به مخاطب ارائه دهد؛ لذا مقاله حاضر جهت حل مسأله «کیفیت محاسبه اعمال انسان» در سه محور، بحث و بررسی نموده است:

الف) کاربردهای اسمی و فعلی ماده «ح س ب» در قرآن چه می‌باشد؟

واکاوی معنایی ماده «ح س ب» در تبیین کیفیت محاسبه اعمال؛ حلیمی جلودار و قربانی لاکتراشانی | ۳۱

ب) صورت‌های قابل فرض بر مقوله تجسم اعمال کدامند و دیدگاه برگزیده در این باره چیست؟

ج) تلاقی کدام یک از روش‌های جزابخشی (جزء به جزء، معدلی) با صورت‌های قابل تصور در تجسم اعمال از صحت و اتقان لازم برخوردار بوده و با معیارهای عقلی و متون آیات و روایات، انطباق و سازگاری دارد؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در حوزه معاد، محاسبه اعمال و کیفیت توزین اعمال انجام پذیرفته است، اما آثاری که بیشترین قرابت محوری را با نوشتار پیش رو دارد، شامل موارد زیر است:

الف) در کتاب «نقش اعمال در قیامت: میزان سنجش اعمال در قیامت» اثر مجتبی تهرانی (۱۳۹۹ش)؛ نقش اولیای الهی و معصومین (ع) به عنوان بالاترین معیار سنجش مورد بررسی قرار گرفته و جمیع اعمال ظاهری و باطنی انسان با اعمال آنان مقایسه می‌گردد. با وجود اهمیت موضوعات مطرح شده، کیفیت محاسبه و صورت‌های مدنظر پژوهش در کتاب فوق مورد بررسی قرار نگرفته است.

ب) مقاله «تحلیل نظریه صورت ملکوتی در تجسم اعمال» اثر غلامعلی سنجری و محمود مهرآوران (۱۳۹۸ش) به بررسی نظرات قائلان و منکران تجسم اعمال پرداخته است و نظریه موافقان با این بحث را پذیرفته است که در مقاله پیش رو، به تفصیل بیشتر و با محوریت کیفیت محاسبه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ج) مقاله «ملاصدرا و مسأله میزان در قیامت» اثر علیرضا اسعدی (۱۳۹۸ش)، به بررسی روحانی یا جسمانی بودن «میزان» در قرآن از نگاه «ملاصدرا» پرداخته و جنس آن را روحانی برمی‌شمارد. با این وجود نظر سایر اندیشمندان و اثر این موضوع بر کیفیت محاسبه مدنظر مقاله فوق نبوده است.

د) مقاله «کیفیت توزین اعمال در قیامت در منابع تفسیری فریقین براساس آیه ۴۷ انبیاء» اثر علیرضا غلامپور و عبدالرحیم خلف مراد (۱۳۹۳ش)؛ با مبنا قرار دادن آیه ۴۷ انبیاء از نگاه

فریقین، به بررسی وسیله توزین اعمال و علت این توزین و افرادی که مورد محاسبه قرار می‌گیرند، پرداخته است که ابعاد مسأله و کیفیت محاسبه که مدنظر پژوهش پیش روست، مورد نظر نبوده است. ضمن اینکه تمرکز مقاله فوق بر آیه ۴۷ انبیاء بوده است، حال آنکه، پژوهش پیش رو آیات متعددی را مبنای تحلیل و بررسی قرار داده است.

در حوزه واکاوی معنایی ماده (ح س ب) در قرآن که بخشی از مقاله پیش رو را به خود اختصاص می‌دهد، با وجود تعریف محاسبه در آثار فوق، پژوهشی که به طور جامع به تمام کاربردهای این ماده در قرآن در قالب‌های اسمی و فعلی پرداخته و رابطه هر یک از این موارد را با یکدیگر مشخص و گفتمان قرآن را در آن مقولات مورد تحلیل قرار دهد، به شکل مستقلی انجام نپذیرفته است. همچنین بررسی کیفیت محاسبه به دو صورت فرضی (جزء به جزء/معدل گیری)، از طریق مقوله تجسم اعمال، از جمله نوآوری‌های پژوهش حاضر می‌باشد. با وجود تعدد آثار صورت گرفته در حوزه معاد و قیامت و نیز تفسیرهای موضوعی ارائه شده در این مسأله، پژوهشی که به واکاوی معنایی مشتقات ماده «ح س ب» در قرآن و در تبیین کیفیت محاسبه و وزن‌کشی اعمال پردازد، صورت نپذیرفته است.

۱-۲. روش پژوهش

در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی، بعد از واکاوی ابعاد معنایی ماده «ح س ب» در قرآن کریم و دسته‌بندی صورت‌های اسمی و فعلی این ماده در آیات، دیدگاه‌های مختلف مقوله تجسم اعمال را تبیین و دیدگاه برگزیده معرفی می‌گردد. سپس امکان هر یک از روش‌های سنجش جزء به جزء و معدلی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مفهوم‌شناسی

لغویان ماده «ح س ب» را در استعمال «عدد» دانسته (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۲) و آن را به مفهوم «اندازه چیزی» (ابن سیده المرسی، بی تا: ۴۹۳/۲)، «شمردن» (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ۲/۲۱۰؛ قرشی، ۱۳۷۱ش: ۲/۱۲۷) «کرم، شرف، تقوا و یا هر چیزی را که انسان از فخر پدران خود برمی‌شمارد» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۳/۱۴۸؛ ابن منظور، ۱۴۰۴ق: ۱/۳۱۰)

واکاوی معنایی ماده «ح س ب» در تبیین کیفیت محاسبه اعمال؛ حلیمی جلودار و قربانی لاکتراشانی | ۳۳

معنا نموده‌اند. جمع این دو معنای کمی (عدد) و کیفی (شرف) می‌تواند از آن جهت ممکن باشد که فرد، مفاخر پدران خود را می‌شمارد. (ابن منظور، ۱۴۰۴ق: ۳۱۰/۱) همچنین «حساب» در معنای «اشراف»، «اطلاع»، «نظر» و «دقت به قصد طلب کردن و رسیدگی امری» است. (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ۲/۲۱۱) و در معاملات از آن جهت از واژه «حساب» استفاده می‌شود که می‌دانند در آن، چیزی نقصان یا زیاده نمی‌گردد و به اندازه و کفایت است. (ر.ک؛ حسینی‌زیبیدی، بی‌تا: ۱۴۹/۱) لذا «حساب» در معنای «ظن» و «گمان» (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ۲/۲۱۰) بوده و عبارت «حَسَنُ الْحِسْبَةِ» در محاوره، به معنای «حُسن تدبیر» است، زیرا نتیجه نیک و بد پایان کار را مورد محاسبه و بررسی قرار می‌دهد. (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۵۹/۲).

در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که معنای واحد در این ریشه، «نظارت و اطلاع به منظور آزمایش» است که با خود، دقت در سنجش و واریسی را به همراه دارد. «شمردن» نیز، مقدمه و وسیله‌ای برای «شناخت و آزمایش» است. در «حَسَب» نیز به اعتبار اینکه پدران، کارها و جریان امور و پیشینه زندگی‌شان در بوتۀ آزمایش و امتحان بوده است، جمع این معانی نیز، مبهم و دور از ذهن نخواهد بود.

«حسیب» صفت خداست (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۰۴ق: ۳۱۰/۱) و ماده «ح س ب» و مشتقات آن در آیات متعددی مورد استفاده قرار گرفته است که در غالب آن‌ها معنای «شمارش»، مورد نظر است. ماده «ح س ب» در کاربردهای قرآنی، در معنای «ظن» و «گمان» (۴۷ مورد)، «حسابرسی و محاسبه» (۵۳ مورد) و در معنای «کفایت» (۱۱ مورد) استفاده شده است. واژگان همنشین مشتقات «ح س ب» به ویژه مواردی که در حوزه حساب و کتاب مطرح می‌شوند، نقش مهمی در درک کیفیت محاسبه اعمال خواهد داشت.

۳. کیفیت محاسبه اعمال

برای بررسی کیفیت محاسبه اعمال، ابتدا نیاز است تا ابعادی از مسأله که به این موضوع مرتبط می‌باشد، مورد توجه قرار گیرد. بدین منظور در ابتدا به واکاوی معنایی محاسبه پرداخته و تمام صورت‌های اسمی و فعلی ماده «ح س ب» در قرآن مورد بحث قرار می‌گیرد.

همچنین برای حل مسأله کیفیت محاسبه، باید به تحلیل ارتباط اعمال انسان و کیفر و پاداش اُخروی پرداخت. اینکه بروز و تجسم اعمال انسان در قیامت به چه شکل و روندی می‌باشد، بر کیفیت محاسبه مؤثر است.

۳-۱. واکاوی معنایی ماده «ح س ب» در قرآن

با واکاوی معنایی آیات قرآن می‌توان تصویری کلی از مقوله محاسبه را در ابعاد مختلف، دریافت و مورد تحلیل قرار داد. ابتدا به بررسی کاربردهای فعلی و اسمی ماده «ح س ب» پرداخته و واژگان مؤثر در معنا و سیاق آیات، مورد بازبینی و بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱. صورت‌های فعلی ماده «ح س ب»

صورت‌های فعلی ماده «ح س ب»، ۴۷ مورد^۱ در معنای «ظن و گمان» و در دو مورد در معنای «حساب»^۲ به کار رفته است. قابل ملاحظه است که این متون از یک جنس نیستند و در بازتاب فضای مفهومی «حساب»، صاحب نقش و حائز اهمیت‌اند. خداوند در آیات بسیاری برای هشدار به انسان و زیر سؤال بردن پندارها و محاسبات ذهنی او، از مشتقات «ح س ب» بهره می‌برد. برای نمونه در انکار و نفی پندار اهل سینات (عنکبوت/۲) و یا گمان انحرافی کافران (کهف/۱۰۲)، از عبارت «أَمْ حَسِبَ» استفاده نموده است. غالب این آیات که با استفهام انکاری آغاز می‌گردد، در جهت تخطئه تفکرات اعتقادی مشافهان است. این دسته از آیات همراه با لحنی از بیم‌دهی به مخاطب همراه بوده؛ مانند آیه «أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا» (کهف/۱۰۲) که بعد از انکار تفکر انحرافی کافران، آنان را وعید جهنم می‌دهد.

۱. عنکبوت/۴۲؛ جاثیه/۲۱؛ محمد/۲۹؛ کهف/۹ و ۱۸ و ۱۰۲ و ۱۰۴؛ بقره/۲۱۴ و ۲۷۳؛ آل عمران/۱۴۲؛ توبه/۱۶؛

مؤمنون/۵۵ و ۱۱۵؛ نمل/۴۴ و ۸۸؛ انسان/۱۹؛ مائده/۷۱؛ فرقان/۴۴؛ آل عمران/۷۸ و ۱۴۲ و ۱۶۹ و ۱۷۸ و ۱۸۰ و ۱۸۸؛

إبراهیم/۴۲ و ۴۷؛ نور/۳۹ و ۵۷؛ حشر/۲ و ۱۴؛ نور/۱۱ و ۱۵؛ قیامه/۳ و ۳۶؛ بلد/۵ و ۷؛ همزه/۳؛ انفال/۵۹؛ أعراف/۳۰؛

أحزاب/۲۰؛ زخرف/۳۷ و ۸۰؛ مجادلة/۱۸؛ انشقاق/۸؛ منافقون/۴؛ زمر/۴۷.

۲. بقره/۲۸۴؛ طلاق/۳.

در برخی از آیات نیز خداوند نوع محاسبه ذهنی انسان در مواجهه با مقولات اعتقادی و باورمندی او در حوزه توحید: ﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدًا﴾ (بلد/۷) و یا معاد: ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ﴾ (قیامه/۳) را مورد سؤال قرار داده و گاه درباره نحوه تعامل با زندگی و طرز نگرش او در حیات دنیوی متذکر می‌گردد. قرآن از این شکل مواجهه با مخاطب مسلمان نیز بهره برده و محاسبات ذهنی مؤمنان را در برخی مسائل به چالش می‌کشد. برای نمونه قرآن خطاب به مؤمنین درباره اینکه درباره جهاد و صبر مورد آزمایش قرار می‌گیرند، از عبارت «أَمْ حَسِبْتُمْ» استفاده نموده: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۴۲) و با آیاتی چون: ﴿وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران/۱۶۹) معادلات جدیدی را در مورد مرگ در راه خدا به مخاطب ارائه می‌دهد. بنابراین استفاده قرآن از عباراتی چون «أَمْ حَسِبَ، أَمْ حَسِبْتُمْ، لَا تَحْسَبَنَّ و...» نه تنها عمومیت کاربرد در محاورات نیز داشته، بلکه تفننی در عبارت، جهت زیبایی متن بوده است. در کتب لغت آمده که کاربردهای ماده «حُسابان» در مواردی است که به یکی از دو طرف نقیضین، اعتقاد جدی پیدا کرده و طرف دوم مورد اندیشه قرار نمی‌گیرد؛ (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۴) مانند آنکه در آیه فوق، مخاطبان بدون اندیشیدن، معتقد به مرگ شهداء و فناء ایشان بوده‌اند که خداوند با استفاده از ریشه «حَسَبَ» آنان را از چنین تفکری برحذر داشته است.

همچنین در دو آیه از ماده «ح س ب» در حالت فعلی، در معنای محاسبه در قیامت: ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ﴾ (بقره/۲۸۴) و ﴿فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا﴾ (انشقاق/۸) استفاده می‌نماید. در آیه ۲۸۴ بقره خداوند اعلام می‌دارد که چه در فضای تلسکوپی، آنچه در آسمان و زمین است و چه در فضای میکروسکوپی و ماورائی که مربوط به درون وجود انسان است، خداوند به آن عالم بوده و علم و احاطه بر هرچیز می‌تواند سبب محاسبه دقیق و قضاوت درباره آن گردد. از آنجا که اعمال انسان علاوه بر صورت ظاهری، دارای صورت باطنی نیز می‌باشد، این آیه هشدار بر انسان است تا بر نیت خود دقت داشته و بداند که براساس همان نیت در

قیامت مورد محاسبه قرار می‌گیرد. هشدار آیه، در بطن مفهوم محاسبه است؛ زیرا به طور کلی هر نوع محاسبه‌ای، تکلف آفرین و تعهدزاست و انسان را به تفکر و تجدید نظر در اعمالش وادار می‌نماید. همچنین در آیه ۸ انشقاق و در ادامه آیه ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينٍ﴾ با تأکید بر اصل محاسبه، آن را برای اهل یمین، حسابی آسان دانسته است.

۳-۱-۲. صورت‌های اسمی ماده «ح س ب» در قرآن

آنچه که از صورت‌های اسمی ماده «ح س ب»، احصاء گردید، ۱۱ مورد^۱ در معنای «کافی و کفایت» و ۵۱ مورد در معنای حسابرسی (شمارش و محاسبه) آمده است. غالب آیاتی که در معنای «کفایت» است، امید فراوانی به مخاطب القاء نموده و حمایت جدی پروردگار و قدرت و احاطه او را با مسئله پیشرو اعلام می‌دارد. این حمایت در برابر خدعه‌های دشمنان (انفال/۶۲) و رویگردانی (توبه/۱۲۹) و آزار ایشان (زمر/۳۸) از رسول خدا (ص) و مؤمنین بوده (انفال/۶۴) است.

همچنین این امیدبخشی در همنشینی با واژگانی که بر وکالت الهی بر رازقیت (طلاق/۳) و نیز حمایت و وکالت او در مشکلاتی چون سختی‌های جنگ و جهاد (آل عمران/۱۷۳) تأکید دارد، قابل استنباط است و ایجاد این تصور مثبت، در قالب‌های «نِعْمَ الْوَكِيلُ» و «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» ایجاد می‌گردد. در حقیقت عباراتی چون «حَسْبُنَا» چه در رابطه با پروردگار (توبه/۵۹) و چه در رابطه با اعتقادات غیرالهی (مائده/۱۰۴) مطرح گردد، اعلامی بر رد دیدگاه طرف مقابل و بی‌نیازی و بی‌اعتمادی به آن و در مقابل، توکل بر داشته‌های ایمانی و باورمندی‌های فردی است که از آن نیرو دریافت می‌نماید. همچنین خداوند در آیاتی، جهنم را در قبال اعمال و اعتقادات منافقین و کفار (توبه/۶۸) و نیز دشمنان دین (بقره/۲۰۶) کافی می‌داند.

غیر از معنای «کفایت»، سایر آیات (۵۱ مورد) که از صورت‌های اسمی ماده «ح س ب» بهره برده، در طیف معنایی «محاسبه و شمارش» به کار رفته است. از این ۵۱ آیه، آیاتی با

۱. انفال/۶۲ و ۶۴؛ آل عمران/۱۷۳؛ توبه/۵۹ و ۶۸ و ۱۲۹؛ مائده/۱۰۴؛ طلاق/۳؛ بقره/۲۰۶؛ مجادله/۸؛ زمر/۳۸.

واکاوی معنایی ماده «ح س ب» در تبیین کیفیت محاسبه اعمال؛ حلیمی جلودار و قربانی لاکتراشانی | ۳۷

عبارت «بَغِيرِ حِسَابٍ» بازتاب رابطه عاطفی پروردگار با بندگان در پاداش دهی به ایمان و اعمال صالح است که از روی فضل الهی، مؤمنان را از رزقی بی حساب (مادی و معنوی) در دنیا و آخرت بهره مند می نماید. این افتخار معافیت از حساب (بَغِيرِ حِسَابٍ)، برای مشرکان نشانه خواری و شرمندگی است.^۱

در صورت بندی از مفاهیم قیامت، می توان تصویرسازی مجموعه ای از پدیده هایی را که انسان در عالم واقع و طبق تجربه تاریخی، در مقوله محاسبه با آن سر و کار دارد، شاهد بود. در انسان شناسی اقتصادی، عمل «محاسبه» با ثبت و کتابت، سبب امنیت و حفظ روابط تجاری گشته و تضمینی برای عقد و ادامه قراردادهاست. در قرارداد تجاری، ثبت تمام جزئیات و خواسته ها از نقض و فسخ و... ضروری بوده و آنچه که در دفتری نگارش یافته، محفوظ و دال بر ادعای صاحب آن است. همچنین در خرید و فروش اقلام و کالا، استفاده از میزان و ترازو، برای رعایت عدالت، درستی و برابری نرخ و کالا مورد کاربرد بوده - است. تجربه تاریخی و اقتصادی انسان با این پیش زمینه ذهنی، به بهترین شکل در آیات قیامت که به مقوله محاسبه اعمال اشاره دارد، تصویرسازی می گردد.

کاربرد «کتاب» در قرآن با همان کارکرد دنیوی و برای ثبت اعمال انسان مدنظر است. همچنین استفاده از ترازو نیز در این دایره شناختی کاملاً عقلانی است؛ چنانکه در قرآن می - فرماید: ﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ﴾ (هود/۸۵) استفاده از موازين در آیات قرآن در اشاره به اجرای عدالت بوده تا اعلام نماید که کوچک ترین ذره از اعمال نیک و بد انسان در محاسبه قرار می گیرد، حتی اگر به اندازه دانه خردلی باشد، لذا انسان هرگز به ظلم و بی عدالتی در قیامت دچار نخواهد شد: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَاحِسِبِينَ﴾ (انبیاء/۴۷) فرق میزان در دنیا و آخرت، آن است که در دنیا در قبال کالا و سنگ ترازویی که در کفه قرار می - گیرد، نرخ آن کالا مشخص گشته و یا در ازای آن کالایی دیگر معاوضه می شود؛ در حالی که طبق آیاتی چون ﴿وَمَنْ حَقَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ (اعراف/۹؛

۱. بقره/۲۱۲؛ آل عمران/۲۷ و ۳۷؛ نور/۳۸؛ غافر/۴۰؛ زمر/۱۰.

مؤمنون/۱۰۳) و نیز ﴿وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ * فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ﴾ (قارعه/۸-۹). درباره کم و خفیف بودن ترازو سخن گفته و به سنگ محک اعمال در آیات اشاره نشده است، اگرچه با توجه به لحن تهدیدی کلام در ادامه آیه، اینطور می‌توان نتیجه گرفت که علت این عتاب، خفت اعمال نیک و صالح مدنظر بوده است.^۱ در روایات مختلف به عوامل مؤثر بر سنگینی عمل اشاره شده است.^۲

آنچه مسلم است، سنگ محک این ترازو از ماهیتی حقیقی و حقانی برخوردار بوده تا بتواند نتیجه‌ای عادلانه ارائه دهد: ﴿وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ﴾ (اعرف/۸). از این رو می‌توان نتیجه گرفت، سنگ محک از جنس حق و حقیقت است و هرچه که این مفهوم را به معنای اتم آن شامل باشد، می‌تواند معیار سنجش محسوب گردد.^۳ همچنین باید توجه داشت که صورت جمع «میزان» در آیات «حساب»، به جهت تعدد اعمال است، و گرنه میزان (حق)، واحد است. ضمن اینکه این مرحله از محاسبه، بعد از طی روند بررسی اعمالی است که مورد احباط قرار نگرفته باشند؛ مانند آنکه می‌فرماید: ﴿فَأُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا﴾ (کهف/۱۰۵). طبق آیه، ممکن است عملی از انسان صادر شود که به جهت احباط، در ترازوی قیامت، ارزش وزنی نداشته باشد. استعمال «میزان» در قرآن، در امور معنوی و غیرمادی به واسطه ارتباطی است که با حوزه حساب پیدا نموده و با آن، باورها، نیت و رفتارهای آدمی سنجیده می‌شود. همچنین میزان و مقوله مورد سنجش باید از سنخیت یکسان و متناسبی برخوردار بوده و بر عیار حق سنجیده شود.

واژه «حساب» در کاربردهای عالم آخرت نیز به عنوان کلیدواژه‌ای پر دامنه و برجسته مورد توجه قرار گرفته است. القای حقیقت سنجش اعمال و محاسبه، به عنوان مقدمه ورود انسان به عالم ابدی، سبب شد که در آیات قرآن (ص/۱۶ و ۲۶؛ غافر/۲۷)، قیامت، روز

۱. اعمال نیک سبب سنگینی و اعمال شر، سبب سبکی میزان است. (صدوق، ۱۳۸۷ ش: ۲۵۹)

۲. قال رسول الله (ص): حب و بغض به من و اهل بیت در وزن کشی قیامت تاثیر دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۴۴/۲۳)

۳. برخی روایات، سنگ محک میزان را، اعمال انبیاء و اوصیاء دانسته‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/۱۷)

واکاوی معنایی ماده «ح س ب» در تبیین کیفیت محاسبه اعمال؛ حلیمی جلودار و قربانی لاکتراشانی | ۳۹

حساب نامیده شود: ﴿هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾ (ص/۵۳) علاوه بر این، کاربرد پرسامد واژه «حساب» در گفتمان اخروی، آن را نقطه مهم و تأثیرگذاری بر سرنوشت بشر دانسته و این هشدار را به ضمیر انسان می‌دهد تا نسبت به اعمال خویش دقت نظر عمیق‌تری داشته باشد. این واژه در متن قرآن، به مقوله‌ای چند بعدی تبدیل گشته و کاربرد آن در آیات، بلافاصله در ذهن مخاطب، پرده قیامت، حساب کثی دقیق الهی، عدم امکان انسان از انکار اعمال و یا تعلل در الحاق به عاقبتش به تصویر کشیده خواهد شد. این کلیدواژه، با توجه به قرارگرفتنش در جمله، می‌تواند پیامی تهدیدآمیز (طلاق/۸؛ رعد/۴۰؛ نور/۳۹؛ انبیاء/۱؛ شعراء/۱۱۳؛ حاقه/۲۶؛ طلاق/۸؛ نبأ/۲۷؛ انعام/۵۲ و ۶۹؛ مومنون/۱۱۷؛ غاشیه/۲۶) و یا بشارتی (شعف‌انگیز (ابراهیم/۴۱؛ نبأ/۳۶؛ حاقه/۲۰) به دنبال داشته باشد. تفاوت بسامد وعده یا وعید، نتیجه‌ای عقلایی است، زیرا نوعاً جماعتی را از حساب می‌ترسانند که بر آن اعتقاد نداشته و در مقابل تأکید بر محاسبه مؤمنین، به جهت بشارت و امیدی بر تحمل رنج‌ها و تمددی بر ایمان آن‌هاست. همچنین عبارت «سوء الحساب» در آیه ﴿أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بُسِّئَ الْمِهَادُ﴾ (رعد/۱۸)، بیم‌دهی درباره سخت‌حسابی عالم آخرت است. (رعد/۲۱).

خداوند در آیه «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» (رعد/۲۱)، ترس از «سوء الحساب»^۱ را از ویژگی‌های «اولوا اللباب» برمی‌شمارد. این بدحسابی، در قرآن با توجه به معنای «سوء» به مفهوم حسابی است که نتیجه آن با آزار همراه است. همچنین بدحسابی، اشاره به مفهوم احباط دارد که حبط اعمال، مانع از تأثیر اعمال خوب در نتیجه می‌شود، زیرا به استناد قرآن: ﴿قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (مائده/۲۷) افعال این دسته از افراد، شایستگی مقبولیت ندارد. نکته قابل توجه در تمام آیات حوزه حسابرسی، وجه اخباری در اعلام قطعیت و یقین درباره حواشی محاسبه است.

۱. «لَا يَقْبَلُ حَسَنَاتِهِمْ وَيُؤْخَذُونَ بِسَيِّئَاتِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰: ۲۶۶/۷).

دسته دیگری از آیات (۸ مورد) به سرعت در محاسبه اعمال، اشاره دارد: ﴿أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (بقره/۲۰۲) می‌توان گفت سرعت، بخشی از ذات افعال الهی است؛ برای نمونه در خلقت ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (یس/۸۲) و یا در برقراری قیامت: ﴿وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ﴾ (نحل/۷۷) که عبارت «سَرِيعُ الْحِسَابِ» در این دو آیه، هم به دنیا و هم به آخرت اطلاق گردیده زیرا هم محاسبه الهی در دنیا همیشه حاصل و در جریان است و هم پروردگار عالم بر جزء جزء اعمال بندگانش آگاه می‌باشد.

لذا خداوند با سرعت به حساب ایشان از پاداش‌ها و کیفرها رسیدگی خواهد نمود و این محاسبه نقد و سریع، توأم با تعلل و تأخیر نیست. طبق روایات اسلامی نیز خداوند همه خلایق را در چشم برهم زدنی مورد محاسبه قرار می‌دهد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲/۵۳۱) سرعت محاسبه در عالم دنیا، گاه تأکید بر آن است که جزای ظلم و عدوان در همین نشئه داده خواهد شد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۵/۲۰۱) و یا تأکیدی بر وعده الهی در ظهور قیامت است که آن را دور نپندارند و به زودی فرا خواهد رسید (ر.ک؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق: ۴/۱۸۲) مانند آنکه مفسران در ذیل آیه ﴿فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (مائده/۴).

این سرعت را منتسب به علم الهی نموده و معتقدند که مطلبی او را از مطلب دیگری غافل ننموده و کثرت انسان‌ها و اعمال‌شان، مانعی بر سرعت در محاسبه‌اش نخواهد بود (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱/۲۴۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲/۸۱؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۲/۶۸) همچنین حضور اعمال و کتاب جامع و کامل انسان: ﴿مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا﴾ (کهف/۴۹) و وجود شاهدان ﴿حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (فصلت/۲۰)، عاملی بر سرعت این محاسبه می‌باشد (ر.ک؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۰/۱۷۷) حال این سؤال مطرح می‌گردد که سرعت یا کندی در محاسبه چه تفاوتی برای انسان‌ها در قیامت داشته و این مسأله چرا مورد تأکید قرآن قرار گرفته است؟ به نظر می‌رسد، اولاً خداوند بدین روش، کاربست خود، در استفاده

واکاوای معنایی ماده «ح س ب» در تبیین کیفیت محاسبه اعمال؛ حلیمی جلودار و قربانی لاکتراشانی | ۴۱

از حساب و کتاب را از ویژگی‌های دنیوی آن، تنزیه می‌نماید؛ زیرا که محاسبه و حساب-کشی، آن هم با در نظر گرفتن جزئیات، در دنیا فرآیندی زمان‌بر است، تا اعلام دارد که حتی جنس و کیفیت این محاسبه، با همتای دنیوی آن متفاوت بوده و برای مؤمنین، تعللی، جهت رسیدن به ثواب اعمال‌شان وجود نداشته و به زودی به جزای اعمال‌شان ملحق خواهند شد، (آل عمران/۹۹؛ ابراهیم/۵۱) و برای کافران نیز مفردی در شروع عذاب‌شان (غافر/۱۷؛ نور/۳۹؛ رعد/۴۱) نخواهد بود. همچنین عبارت «سَرِيعُ الْحِسَابِ» می‌تواند تجسم بستن پرونده و تعیین تکلیف وضعیت انسان و عدم امکان منع و رد حکم الهی بعد از محاسبه نیز باشد. (بلخی، ۱۴۲۳ق:۳/۱۲۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق:۱۱/۳۷۹) در آیه ﴿ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ﴾ (انعام/۶۲) نیز بر بی‌بدیل بودن سرعت الهی در محاسبه تأکید می‌نماید (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق:۴/۱۵۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق:۷/۱۳۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق:۴/۵۴۰).

در مجموع می‌توان گفت در آیاتی که خداوند با فحوای هشدار عذاب و کیفیت آن با مخاطب سخن می‌گوید، عبارت «سَرِيعُ الْحِسَابِ» بر عدم امکان رد حکم الهی و تعلل در آن و انطباق وعده پروردگار با عمل، تأکید داشته (آل عمران/۱۹) و در آیاتی عبارت فوق، با لحن بشارت به مؤمنان، مؤکد بر سرعت الحاق ایشان به ثواب اعمال‌شان خواهد بود.

صورت‌های دیگر اسمی کاربردهای ماده «ح س ب» در قرآن، بر وجود نظامی تکوینی (۴ مورد) بر پایه محاسباتی دقیق در عالم دنیا اشاره دارد: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِّينَ وَالْحِسَابِ﴾ (یونس/۵؛ اسراء/۱۲) واژه «حسبان» نیز با همین کاربرد و در هم‌نشینی با سایر واژگان، بر حساسی دقیق در مدار خورشید و ماه (انعام/۹۶؛ رحمن/۵) دلالت می‌نماید. در یک مورد این واژه در معنای عذاب آمده- است: ﴿فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَيُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا﴾ (کهف/۴۰) که به نظر خارج از معنای محاسبه باشد.

در گونه دیگری از کاربردهای اسمی، صفت «حَسِيبٌ» (۴ مورد)، فعل محاسبه‌گری را به خداوند نسبت می‌دهد: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ كَانَ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيْبًا (نساء/۸۶) که این واژه نه تنها بر محاسبه، بلکه بر دقت در عدم نقصان و زیادت آن تأکید دارد (ر.ک؛ میدی، ۱۳۷۱ش: ۶۱۷/۲) صورت‌های امیدورزی که در ابتدای این بحث به آن اشاره شد، با کاربرد این واژه، تحقق یافته است. (اسراء/۱۴) در این آیات، خداوند به عنوان شاهدی بر انسان (نساء/۶) و نیز ایمان خاشعان (احزاب/۳۹) بوده و بر محاسبه اعمال او کافی دانسته شد.

۲-۳. صورت‌های تجسمی

در ادامه مقوله تجسم اعمال به عنوان یکی از ابعاد مسأله کیفیت محاسبه اعمال باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

از ظاهر برخی آیات، اعتباری و یا تکوینی بودن رابطه اعمال و جزای آن تأیید می‌گردد. آیه (يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ) (زلزال/۶) می‌تواند دالی بر تجسم اعمال باشد؛ (ر.ک؛ خمینی، ۱۳۷۷ش: ۲۸۲-۲۸۱) اگرچه در این پژوهش، مقوله کیفیت محاسبه، در ذیل هر یک از دیدگاه‌های مرتبط با موضوع مورد بحث قرار گرفته و تحلیلی اجمالی بر صحت هر یک از نقطه نظرات در حوزه تجسم اعمال ارائه خواهد شد. برای حل مسأله کیفیت محاسبه، باید ارتباط اعمال انسان و کیفیت جزابخشی مورد بررسی قرار گیرد. این موضوع در کلام بزرگان و اندیشمندان قرآنی از طریق مقوله تجسم اعمال تشریح و تفصیل گردیده و در سه وجه قابل تصور است:

الف) در قانون قراردادی، خداوند در برابر هر عمل انسان، جزایی مقرر نموده و طبق آن در قیامت با او معامله و محاسبه خواهد شد؛ همانند قوانین دنیوی و مجازات‌هایی که در نظامات اجتماعی بوده و در برابر آن حکمی معین گردیده است. طبق بیان استاد مطهری (ره) صاحبان این دیدگاه، اعتباری بر تجسم اعمال قائل نبوده و کیفر و پاداش اخروی را، صرفاً با اراده و مشیت خداوند و بدون نقش آفرینی اعمال برمی‌شمارند (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۸۴ش: ۲۳۰/۱).

این دسته طبق آیه (إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأَثْمَ سَيَجْزُونَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ) (انعام/۱۲۰) کیفر و پاداش اخروی را در برابر اعمال و نه در تکوین آن دانسته‌اند. ایشان همنشینی

واژگان «یکسبون، اثابهم و...» را در آیاتی چون: ﴿فَأْتَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ﴾ (مائده/۸۵)، با جزاء و کيفر الهی دلیلی بر ادعای خود تلقی نموده‌اند؛ درحالی که این ادعا برای دیدگاه نظام تکوینی افعال و نتیجه اعمال نیز قابل استنباط است. صاحبان این نظریه براین ادعا هستند که واژه‌های «جزاء، ثواب، اجر» در آیاتی نظیر ﴿فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَ لْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (توبه/۸۲) و ﴿بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَآهُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره/۱۱۲) دال بر رابطه قراردادی اعمال و نتیجه آن در قیامت است، که مانعی برای استدلال آن در دیدگاه تکوینی وجود ندارد.

همچنین صاحبان این نظریه، کلیدواژه‌هایی چون «تجارت، اشتری، بیع، خسارت»، را دلالتی بر قراردادی بودن رابطه اعمال و جزاء دانسته و با استناد به آیاتی چون ﴿هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (صف/۱۰) و ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ﴾ (توبه/۱۱۱) و ﴿مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (آل عمران/۸۵) آن را چون قراردادهای دنیوی، اعتباری برشمرده‌اند.

صاحبان این دیدگاه، آیاتی را که ثواب و عقاب اخروی را منتسب به خداوند می‌نماید، علت این نظر برمی‌شمارند. برای نمونه در آیات ﴿وَ مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء/۷۴) و ﴿وَ يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (فتح/۶)، واژگان «نُوتِيهِ» و «أَعَدَّ» اعطای اجر و ثواب مجاهدان و نیز عذاب منافقان و مشرکان را به خداوند نسبت داده و این مسأله، دال بر قراردادی بودن اعمال و نتیجه آن خواهد بود. این درحالی است که این انتساب، سنت جاری پروردگار بر نظام پاداش‌دهی و کيفربخشی بوده و ضرورتاً این دیدگاه را اثبات نمی‌نماید؛ زیرا که رابطه اعمال انسان در سه حالت علی- معلولی، عینیت، و قانون قراردادی، همگی در جریان سنت حاکم خداوند بر حوزه محاسبه است. این نوع انتساب در ادبیات قرآنی، در مقوله گرفتن جان انسان توسط خداوند یا فرشته مرگ نیز از موضوعیت برخوردار می‌باشد.

ب) در رابطه تکوینی (علی - معلولی) بین افعال و جزای اخروی، نوعی علیت برقرار بوده و کیفر و پاداش اخروی، معلول افعال دنیوی هستند؛ در نتیجه؛ افعال و اعمال، دو حقیقت جداگانه می‌باشند؛ مانند رابطه چوب و آتش. قائلان به این دیدگاه، پاداش و کیفر اخروی را معلول میزان خلوص نیت درونی، صحت اعتقادات دینی و افعال انسان دانسته و معتقدند که تکرار اعمال در عالم دنیا، بر صقع نفس اثر گذرده و در آن به ملکه‌ای تبدیل می‌گردد که در عالم اخروی و متناسب با آن نشسته، نفس ناطقه انسان، صورت‌های ملکوتی (تجسم اعمال) را خلق می‌نماید (ر.ک؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۲ش: ۳۹۳/۸؛ ۳۱، ۲۲۷، ۳۴۲/۹).

ج) نوع سوم از رابطه میان اعمال و مجازات اخروی، فراتر از رابطه علی و معلولی و از نوع عینیت و این‌همانی است. از این دیدگاه، افعال و نیت انسان، دارای صورت‌های ملکوتی است که در عالم برزخ و قیامت و با کنار رفتن پرده‌های حجاب، ظهور و بروز می‌نماید؛ به بیانی دیگر، قیامت وجود انسان همواره همراه اوست و با خلق هر عمل و صدور هر نیت خیر یا شر، صورت ملکوتی به شکل موازی در حال ساخت و شکل‌گیری است (بهائی، ۱۳۷۴ش: ۱۹۲/۲). امام خمینی (ره) نیز اعمال دنیوی را دارای صورت غیبیه ملکوتی دانسته (ر.ک؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۲ش: ۲۸۲-۲۸۱) و آن را عینیت افعال و نیت آدمی برمی‌شمارند. (همان: ۳۷۲) علامه طباطبائی نیز بر عینیت اعمال در قیامت تأکید جدی داشته و ضمن سوگند به جان خود، آیه (لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ) (ق/۲۲) را بر اثبات این ادعا، کافی می‌داند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۳۵۱/۱۸) استاد مطهری نیز صورت ملکی اعمال را زایل شدنی و صورت ملکی آن را ابدی برمی‌شمارند (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۸۴ش: ۶۸۸/۴) آیه‌الله جوادی آملی (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶ش: ۳۳۶/۸) و آیت‌الله مصباح‌یزدی (ر.ک؛ مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰ش: ۳۶۱/۱) نیز بر این اعتقادند که اعمال دنیوی در آخرت، هویت واقعی خویش را باز یافته و بحث عینیت فعل و تجسم اخروی را پذیرفته‌اند.

واکاوی معنایی ماده «ح س ب» در تبیین کیفیت محاسبه اعمال؛ حلیمی جلودار و قربانی لاکتراشانی | ۴۵

طرفداران این دیدگاه، طبق آیاتی چون ﴿وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ (کهف/۴۹) احضار اعمال را نفس اعمال دانسته‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق:۳۲۴/۱۲) در حالی که برخی آن را جزای اعمال (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲/۷۲۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۲۱/۴۷۰) و یا نامه عمل (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۸/۲۷۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۵/۱۶۸) تفسیر نموده‌اند.

از آنجایی که بُعد مادی اعمال، صورت خود را در این دنیای فانی از دست داده و قابل اعاده نیستند و جنبه روحانی اعمال باقی و مستمر می‌ماند، آنچه که در سرای باقی، در شکل جلوه‌های بهشتی و یا عذاب جهنمی تجسم می‌گردد، عینیت اعمال آدمی است. در روایاتی نیز به تمثیل شخصی برای انسان به جهت کار خیری چون ایجاد سرور در قلب دیگر مؤمنان اشاره شده است (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۵ش: ۲/۱۹۰) ملکات نفس انسان به تدریج در جان آدمی رسوخ نموده و با روح وی متحد و صورت و فعلیتی برای نفس وی می‌شود (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷ش: ۵/۱۴۴) علامه طباطبائی در این باره می‌فرماید: «ملکات اعمال اختیاری انسان، در قیامت ظهوری اضطراری دارد؛ بدین شکل که باطن اعمال به شکل‌های مناسب با ملکات حسنه یا رذیله بروز نموده و آن همان تمثیل و تجسم اعمال است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۱۱/۱۵) بنابراین طبق دیدگاه برگزیده پژوهش، نظریه سوم که بر تکوین اعمال و عینیت آن دلالت دارد، با متن آیات و روایات سازگارتر می‌باشد.

۴. تحلیل تلاقی روش‌های جزابخشی و تجسم اعمال

با توجه به نتایج حاصل از واکاوی معنایی و منطق محاسبه در قرآن، موضوع کیفیت تجسم اعمال با دو دیدگاه متفاوت (قراردادی، معدل‌گیری) روبرو خواهد بود. در پژوهش حاضر ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف، نظریه مختار ارائه می‌گردد.

۴-۱. رابطه قراردادی و اعتباری

در سنجش تدوینی اعمال که مورد کاربرد محاسبات بشری است، سود و زیان که شامل اعمال نیک و بد بوده مورد محاسبه قرار گرفته و بر پایه آن تصمیم‌گیری می‌شود. همچنین

ممکن است، مانند بررسی دیوان یک سازمان که عملکرد کلی و میزان بودجه مصرفی آن مورد بررسی قرار گرفته و یک ارزیابی جزئی و نتیجه کلی ارائه می‌گردد، مورد سنجش و محاسبه قرار گیرد. در دیدگاه تجسم اعمال به شکل قراردادی و اعتباری، طبق آیه (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) (انشقاق/۷) که اعمال انسان براساس دیوان‌های او مورد سنجش بوده و هر آنچه که در پایان باقی می‌ماند، می‌تواند نتیجه بهشتی و دوزخی بودن فرد را تعیین نماید. سنجش اعتباری یا براساس ارزیابی جزء به جزء و یا ارزیابی میانگین است که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۱. ارزیابی جزء به جزء اعمال

اگر بنای کیفیت بررسی اعمال بر ارزیابی جزء به جزء گذاشته شود، هیچ عملی از بد یا خوب، بار ارزشی اثرگذار خود را از دست نداده و فرد پس از گذراندن نتیجه اعمال ناپسند خود در جهنم، وارد بهشت برزخی و اخروی خواهد شد. آیاتی که عواملی چون ارتداد^۱، کفر^۲، تکذیب قیامت^۳ و... را سبب حبط عمل می‌داند، و نیز عواملی چون تقوا^۴، حسنات^۵، توبه^۶ و... را سبب تکفیر و اذهاب گناهان برمی‌شمارد، با شیوه ارزیابی جزء به جزء در تضاد بوده و آیاتی که مقوله اعمال ماتأخر (عَلِمْتُ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ وَ أَخَّرْتُ) (انفطار/۵) را مطرح می‌نماید، در این قاعده قابلیت تعریف و گنجایش ندارد؛ زیرا در صورتیکه حتی سنجش به شکل قراردادی و اعتباری باشد، عوامل متعددی در تغییر صورت‌های ظاهری اعمال در دنیا تأثیر گذارده و در هنگام قیامت با گشوده شدن کتاب انسان، بسیاری از اعمال بر اثر احباط، تکفیر، اعمال ماتأخر و... تغییر یافته‌اند. ضمن اینکه

۱. بقره/۲۱۷

۲. محمد/۳۲

۳. اعراف/۱۴۷

۴. انفال/۲۹

۵. هود/۱۱۴

۶. تحریم/۸

این شکل ارزیابی، مقوله موازنه را نیز زیر سؤال می‌برد؛ زیرا اگر قرار بود که صورت عمل ناپسند و حرام در این دنیا، بدون در نظر گرفتن کمیت و کیفیت اعمال خیر و صالح و همراه با عقوبت باشد، مفهوم سنگینی اعمال خیر و شر قابل تعریف در این چارچوب نیست. با فرض اینکه اصل عمل، طبق قانونی قراردادی و اعتباری در قیامت، با نتیجه عمل روبرو می‌شود، باید قابلیت پیاده‌سازی قواعدی چون احباط، تکفیر، اعمال ماتقدم، ماتأخر و... را داشته باشد. با توجه به این مسأله که انسان اعمالش را در قیامت می‌بیند: ﴿يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ﴾ (زلزال/۶) و آن را نزد خویش حاضر می‌یابد ﴿وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ (کهف/۴۹) و براساس اعمالش، جزاء داده می‌شود: ﴿وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (صافات/۳۹)، حضور عمل در نزد نفس او، همیشگی است. در روایات آمده است که برای مشرکان، میزانی گذاشته نمی‌شود و دفتر و دیوانی ندارند (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۷۶ش: ۵۹۵) و این به دلیل آن است که شرک سبب بی‌وزنی تمام اعمال است، لذا ارزیابی جزء به جزء نمی‌تواند در این راستا قابل تبیین باشد.

باید توجه داشت که ادراکات انسان اعم از حسی، خیالی و عقلی از سنخ حضورند و در غیر اینصورت نمی‌توان مدعی شد که تمام اعمال در دنیا و آخرت حاضرند. از این رو تمام ادراکات آدمی باید مجرد و از سنخ حضور باشند (ر.ک؛ کریمی والا، نصیری، ۱۴۰۰ش: ۱۹۶). بنابراین طبق آیات و روایات فوق، پذیرش رابطه قراردادی و ارزیابی جزء به جزء، اگرچه با تضاد عقلی روبرو نیست، اما با متن آیات و روایات سازگار نمی‌باشد.

۴-۱-۲. ارزیابی میانگین

در این دیدگاه، اعمال انسان پس از معدل‌گیری و وزن‌کشی و تأثیر عواملی چون احباط عمل و بی‌وزنی آن، تکفیر، اعمال ماتأخر، شفاعت، رحمت، مغفرت، فضل الهی و... به یک نتیجه کلی خواهد رسید. غالب آیات و روایات و نیز دیدگاه‌های تفسیری، این نظریه را تأیید می‌نمایند، ضمن اینکه میزان، حساب و کتاب به روش معدل‌گیری به صراحت در آیات، مورد توجه قرار گرفته و گفتمان قرآنی، القاء‌کننده همین نظر است. ثبت ده حسنه

در قبال هر عمل نیک، جمع اعمال و کسر آن از افعال منفی، حبط کامل عمل به جهت غیبت، نیت‌های ناخالص، حبط تمام نیکی‌ها توسط ریا، شرک و...، صورت‌یابی مؤثر اعمال در نیت‌های پاک، توبه، دعا، احسان و... همگی در این معدل‌گیری لحاظ خواهد شد. دیدگاه کلی که قرآن به مخاطب ارائه می‌دهد، نقش اعمال ناپسند را در تعیین جایگاه ابدی انسان مؤثر دانسته و از این‌رو برای او به عنوان عامل بازدارنده، عمل می‌نماید. همچنین اینکه توبه و انجام اعمال صالح در محو افعال منفی و کسر آن از نامه عمل، مؤثر بوده، نقش امیدآفرینی برای انسان دارد. در این شیوه از محاسبه، اگر تجسم اعمال، به شکل قراردادی و اعتباری باشد، پس از معدل‌گیری و لحاظ تمام عوامل مؤثر، پاداش یا عقابی در قبال آن، برای فرد لحاظ شده و فرد در بهشت یا جهنم اعمال خود، وارد خواهد شد.

۳-۲. رابطه تکوینی

در این‌گونه از سنجش، انسان پس از مرگ، با چهره واقعی و ماهیت عمل خود روبرو گشته و غلبه اعمال نیک و نیت‌های خالص و ملکه‌شدن آن در فرد بر اعمال ناپسند و یا بالعکس، چهره ویژه او را رقم خواهد زد. با وجود وقوف انسان بر تمام محاسبات و احاطه و آگاهی او بر تمام اعمال نیک و بد خود و وجود میزانی بر سنجش، تعریف انسان از ماهیت اخروی‌اش همان تجسم اعمال اوست، حقیقتی که قابل انکار نبوده و بهشت و جهنم انسان نیز متناسب با ماهیت وجودی او با وی همراه خواهد بود.

۴-۲-۱. ارزیابی جزء به جزء اعمال

در رابطه تکوینی، اگر ارزیابی اعمال انسان به شکل جزء به جزء باشد، در اینصورت هر انسانی، ترکیبی از اعمال بد و خوب خویش است و همزمان، هم تجسم ملکات نورانی و هم ظلمات اعمال خود را خواهد داشت؛ حال این تجسم به شکل تکوین علت و معلولی باشد یا عینیت عمل آدمی محسوب گردد در هر صورت این دیدگاه جایگاهی در آیات و روایات و نیز دیدگاه‌های تفسیری نداشته و مورد نظر نیست، زیرا اگر قرار بود که انسان به شکل همزمان تجسم اعمال نیک و بد خود باشد، باید همزمان در بهشت و جهنم اعمال

خود، قرار گیرد که این نظر، جایگاهی در منابع دینی نداشته و محال عقلی است. ضمناً نوع بهره نفس انسان از لذات اخروی و تفاوت آن با لذات دنیوی نیز، دلالت دیگری بر رد جزء به جزء بودن بررسی اعمال است. ملاصدرا در این باره آورده است: «لذات دنیوی از انفعالات نفس است، از آنچه از خارج به آن وارد و در آن تأثیر گذارده است. برخلاف لذات اخروی که از ابتهاجات و لوازم ذاتی و افعال نفس است. از این رو انسان باید نفس را از قوه به فعل تبدیل نموده و از نقص به کمال منتقل گردد» (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۲۱۳/۹). این درحالی است که این نوع تصور از لذات معنوی در قیامت با نوع جزء به جزء که منطبق بر محاسبات مادی و دنیوی است، قابلیت انطباق ندارد. می توان گفت که چون وجود مثالی اعمال از منشآت نفس است، مباحثی چون محاسبه اعمال و... همگی در صقع نفس رخ می دهد، لذا اعمال، چیزی خارج از وجود انسان نیست که قابلیت بررسی جزء به جزء داشته باشد، پس اعمال، متناسب با ملکات ظهور می نماید. همچنین از آنجا که سنگ محک از جنس حقیقت است، اعمال نیز باید از حقیقت ظهوری و معنایی برخوردار باشد. جزء به جزء بودن ارزیابی، خود دال بر عدم سنخیت اعمال با یکدیگر و عدم یکپارچگی آن است و این تصور خود به جهت عدم تصور قیام صدور اعمال به نفس انسان می باشد. حال آنکه آیه با استحضار اعمال با نفس، به خوبی قابل درک و تبیین می باشد.

۴-۲-۲. ارزیابی به شیوه معدل گیری

اگر ارزیابی تکوینی به شکل معدل گیری باشد، نتیجه آن مشخص و غلبه اعمال نیک و نیز شمول فضل پروردگار بر بنده، درجه ای از قرب را برای فرد معین می نماید. همچنین در شرایط کاملاً متناقض، فرد بر اساس اعمال شیطانی و نیات ناپاک به سخط الهی دچار خواهد شد. حال درنگاه تکوینی، غلبه ملکات نورانی بر ظلمات نفسانی و یا عکس آن، تعیین کننده ماهیت حقیقی و اخروی انسان می باشد.

توبه و بازگشت همیشگی انسان به سوی پروردگار و میل او به اعمال صالحی که چه به انجام آن موفق و یا در حد نیت باقی بماند، همگی در غلبه ملکات معنوی مؤثر خواهد بود. علاوه بر موارد فوق، از آیاتی چون ﴿وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ

سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (توبه/۱۰۲) برمی آید که اعمال انسان، معدل گیری شده (خَلَطُوا)، دستخوش تغییراتی چون عفو و رحمت الهی می گردد. ملاصدرا درباره غلبه ملکات مذموم می فرماید: «برای هر خلقی از اخلاق مذموم و ملکات زشت راسخ در نفس، بدن هایی به وجود می آید که به آن خلق و خوی اختصاص دارد. در صورتیکه انسان ملکه چند رذیله باشد، در قیامت صورت مثالی ملکه قوی تر مشخص می گردد و در اثر کم رنگ شدن آن خلق بر اثر عذاب، سایر صورت های مثالی، به ترتیب قوت، ظاهر می گردند و یکی یکی بر اثر عذاب، زوال می یابند» (صدرالدین شیرازی، بی تا، ۳۵/۹). باید دقت نمود که اعمال انسان به مانند اجزای پراکنده و قسمت به قسمت نبوده که ذره به ذره در کفه ترازو و وزن کشی جزء به جزء قرار گیرد، بلکه اعمال در قالب یک حقیقت یکپارچه، غالب بر انسان است که معدلی از اعمال او و حاصل تمام امورات مؤثر بر نفس اوست.

۵. نظریه مختار

با بررسی نظرات فوق می توان خروجی بحث را براین دو عنوان ارائه نمود.

۱-۵. رابطه قراردادی که در آن بعد از ارزیابی، ابتدا انسان با تحمل عذاب اعمال ناپسند خود، وارد بهشت گشته و یا اینکه در جهنم باقی می ماند. اگرچه مشخص نیست که با فرض قراردادی بودن نتیجه اعمال، چگونه می توان خلود در بهشت و یا جهنم را توجیه نمود. ضمن آنکه طبق حوزه های معنایی که قرآن در مورد اعمال آدمی به مخاطب ارائه داده و برای کنش و نیت او صورت هایی ملکوتی بیان می دارد، با نگاه «قراردادی و اعتباری بودن نتیجه اعمال» در تناقض است. برای نمونه، قرآن صورت واقعی غیبت، را اکل مرده^۱ دانسته است. همچنین در آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران/۱۶۹) نیز با توجه به زمان فعل (يُرْزَقُونَ)، در قاعده قراردادی بودن اعمال قابل تعریف نمی باشد. به بیانی دیگر، با فرض پذیرش اصل تجسم عینی اعمال،

واکاوی معنایی ماده «ح س ب» در تبیین کیفیت محاسبه اعمال؛ حلیمی جلودار و قربانی لاکتراشانی | ۵۱

قراردادی بودن رابطه افعال آدمی و نتیجه آن منتفی است. اگر ارزیابی براساس معدل گیری و اعمال تبصره‌های مؤثر بر آن باشد، نیز در قاعده قراردادی، شکلی ناقص و مبهم داشته و پاسخگوی تمام مباحث حوزه قیامت و محاسبه نخواهد بود.

۲-۵. در رابطه تکوینی، امکان پذیرش دیدگاه ارزیابی جزء به جزء نبوده و عینیت بخشی نتیجه اعمال و یا رابطه علی و معلولی در این دیدگاه، قابل انطباق نخواهد بود؛ به ویژه آنکه تجسم همزمان اعمال خیر و شر در آیات و روایات تأیید نشده است. اما در نگاه تکوینی، قابلیت پیاده‌سازی مفاهیمی چون تجسم اعمال، مقوله احباط و تکفیر، خلود و جاودانگی، ملکات نیت‌ها، اعمال و اعتقادات، موازنه وجود دارد و به جهت عقلی نیز قانع کننده است.

بحث و نتیجه گیری

آنچه از بررسی صورت‌های اسمی و فعلی ماده «ح س ب» و نیز مفهوم تجسم اعمال در قرآن قابل استنباط است، می‌توان اینگونه ارائه نمود:

۱. صورت‌های فعلی ماده «ح س ب»، در ۴۷ مورد در معنای «ظن و گمان» و در دو مورد در معنای «حساب» به کار رفته است. همچنین دو آیه، بازتاب معنای محاسبه در قیامت را داشته است. از صورت‌های اسمی ماده «ح س ب»، ۱۱ مورد در معنای «کافی و کفایت» و ۵۱ مورد در مفهوم شمارش و محاسبه آمده است. آنچه که از واکاوی معنایی محاسبه در قرآن قابل استنباط است، می‌توان به مفاهیمی چون سرعت، دقت، گریزناپذیری از محاسبه، احباط، تکفیر، حساب، کتاب، موازنه بر معیار حق، همراه با القای عواطفی چون بیم و امید از آیات اشاره نمود. قرآن در آیات متعدد، ضمن تأکید بر وقوع حتمی قیامت، از ساز و کار محاسبه اعمال انسان به شکل تصاویری تیزری پرده برداشته و آن را به مانند حاصل مزرعه‌ای برمی‌شمارد که مورد وزن کشی قرار گرفته و مزدی به آن تعلق خواهد گرفت.

۲. ظهور و بروز اعمال در سه حالت (قراردادی، تکوینی از دو نوع (علت- معلولی، رابطه عینیت) قابل تعریف می‌باشد. علامه طباطبائی، ملاصدرا و شیخ بهائی ادله‌ای بر اثبات عینیت اعمال ارائه نموده و این دیدگاه را به عنوان عقیده برگزیده، در حوزه تجسم اعمال دانسته‌اند.


۳. در ارزیابی اعمال دو دیدگاه وجود دارد که یکی بر سنجش جزء به جزء اعمال و دیگری بر معدل گیری استوار است که در تلاقی با بحث واکاوی معنایی مقوله محاسبه در قرآن و نیز مقوله تجسم اعمال (اعتباری/تکوینی)، دیدگاه «تجسم تکوینی اعمال و محاسبه به روش معدل گیری» مورد پذیرش بوده و با مفاد مؤثر بر نامه اعمال که در آیات و روایات اشاره شده است، قابلیت انطباق دارد.


جدول تحلیل تلاقی روش‌های جزابخشی و تجسم اعمال

| رابطه قراردادی در تجسم اعمال | رابطه تکوینی در تجسم اعمال | |
|---|--|--------------------|
| عقلانی-غیرقابل انطباق با روایات و آیات | محال عقلی | ارزیابی جزء به جزء |
| ناقص، دارای ابهام، تضاد با برخی آیات و روایات | عقلانی، قابل انطباق با آیات و روایات، دیدگاه برگزیده فلاسفه اسلامی | ارزیابی معدل گیری |

ORCID

Habibollah Halimi
Fatemeh Ghorbani
Lakterashani

 <http://orcid.org/0000-0001-7124-3753>

 <http://orcid.org/0000-0001-5183-0344>

منابع

- قرآن کریم. (۱۴۱۵ق). ترجمه محمد مهدی فولادوند. قم: دارالقرآن الکریم. چ ۱.
- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. چ ۱. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اسعدی، علیرضا. (۱۳۹۸ش). ملاصدرا و مساله میزان در قیامت. *نشریه خردنامه صدرا*. شماره ۹۸. صص ۱۳-۲۴.
- اندلسی، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بی جا. بیروت: دارالفکر.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (صدوق). (۱۳۷۶ش). *الامالی*. چ ۱. تهران: نشر کتابچی.
- _____ . (۱۳۸۷ش). *توحید*. تحقیق سید هاشم حسینی. چ ۱. قم: جامعه مدرسین.
- _____ . (۱۳۶۲ش). *الخصال*. بی جا. قم: جامعه مدرسین.
- ابن سیده المرسی، علی بن اسماعیل. (بی تا). *المحکم و المحيط الاعظم*. بی جا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغه*. مصحح عبدالسلام محمد هارون. چ ۱. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. چ ۳. بیروت: دارصادر.
- بهائی، محمد عبدالصمد. (۱۳۷۴ش). *الکشکول*. ترجمه و تحقیق عزیزاله کاسب. چ ۱. تهران: انتشارات گلّی.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*. چ ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تهرانی، مجتبی. (۱۳۹۹ش). *نقش اعمال در قیامت: میزان سنجش اعمال در قیامت*. چ ۱. تهران: نشر مصباح الهدی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ش). *تفسیر تسنیم*. چ ۱. قم: نشر اسراء.
- حسینی زبیدی، محمد بن محمد بن عبدالرزاق. (بی تا). *تاج العروس*. چ ۱. بی جا: دارالهدایه.
- رازی، محمد بن عمر. (فخر رازی). (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. چ ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. چ ۱. بیروت: دارالعلم.

سنجری، غلامعلی؛ مهرآوران، محمود. (۱۳۹۸ش). تحلیل نظریه صورت ملکوتی در تجسم اعمال. مجله پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۳۶. صص ۱۱۹-۱۴۴.

صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم قوام. (۱۳۸۲ش). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. چ ۱. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

_____ . (۱۹۸۱م). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. چ ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

_____ . (بی تا). المبدأ والمعاد. چ ۱. قم: المکتبه الاسلامیه.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). تفسیر المیزان. چ ۵. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چ ۱. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبری، محمدبن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. چ ۱. بیروت: دارالمعرفه.

غلامپور، علیرضا؛ خلف مراد، عبدالرحیم. (۱۳۹۳ش). کیفیت توزین اعمال در قیامت در منابع تفسیری فریقین بر اساس آیه ۴۷ انبیاء. مطالعات تفسیری. شماره ۲۰. صص ۷۳-۸۶.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین. چ ۲. قم: انتشارات هجرت.

قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن. چ ۶. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کریمی والا، محمدرضا. نصیری، روح‌الله. (۱۴۰۰ش). رهیافت قرآنی و روایی بر حقیقت ادراکی نفس با تبیین‌های صدرایی. پژوهشنامه معارف قرآنی. سال ۱۲. شماره ۴۵. صص ۱۸۳-۲۰۴.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ش). الکافی. چ ۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. چ ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). التحقیق فی کلمات القرآن. چ ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴ش). مجموعه آثار. چ ۱. تهران: نشر صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. چ ۱. قم: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۲ش). چهل حدیث. چ ۱. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

_____ . (۱۳۷۷ش). شرح حدیث عقل و جهل. چ ۱. تهران: موسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی.

میبدی، احمد بن ابی سعد رشید الدین. (۱۳۷۱ش). *کشف الأسرار و عده الأبرار*. ج ۵. تهران: انتشارات امیر کبیر.

References [in Persian]

- The Holy Quran. (۱۹۹۴). *Translated by Mohammad Mehdi Fouladvand*. Qom: Dar al-Quran al-Karim. Ch^۱. [in Persian]
- Alousi, Seyyed Mahmoud. (۱۹۹۴). *The spirit of meaning in the interpretation of the great Qur'an*. Ch^۱. Beirut: Dar al-Ketab al-Alamiya.
- Asadi, Alireza. (۲۰۱۸). Mulla Sadra and the issue of Mizan in the Day of Resurrection. *Kheradnameh Sadra magazine*. No. ۹۸. pp. ۱۳-۲۴. [in Persian]
- Andalusia, Mohammad bin Youssef. (۱۹۹۹). *Al-Bahr al-Mahayt fi-al-tafsir*. N.P., Beirut: Dar al-Fekr.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (۱۹۸۹). *Kitab al-Ain* Ch^۲. Qom: Hijrat Publications.
- Bahai, Mohammad Abdul Samad. (۱۹۹۵). *Al Kashkul Translation and research by Azizaleh Kaseb*. Ch^۱. Tehran: Goli Publications.
- Gholampour, Alireza; Khalaf Murad, Abdul Rahim. (۲۰۱۳). The quality of the weighing of actions on the Day of Resurrection in the interpretation sources of Fariqin based on verse ۴۷ of the Prophets. *Interpretive studies,? Number ۲۰*. pp. ۷۳-۸۶.
- Hosseini-Zubaidi, Mohammad bin Mohammad bin Abdul Razzaq. (n.d.). *Taj al-Arus* Ch^۱. Unplaced: Dar al-Hadayeh.
- Ibn Baboyeh Qomi, Muhammad Ibn Ali (Sadooq). (۱۹۹۷). *Al Amali* Ch^۱. Tehran: Ketabchi Publishing House.
- _____. (۲۰۱۷). *Tohid*. Research by Seyyed Hashem Hosseini. Ch^۱. Qom: Society of Seminary Teachers.
- _____. (۱۹۸۳). *Khasal*, N.P., Qom: Society of Seminary Teachers.
- Ibn Said al-Morsi, Ali bin Ismail. (n.d.). *Al-Mahkem and Al-Azam al-Azam*. N.P., Beirut: Dar al-Kitab al-Alamieh.
- Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris. (۱۹۸۳). Edited by Abdul Salam Mohammad Harun. Ch^۱ Qom: Islamic School of Information.
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. (۱۹۹۳). *Arabic language* Ch^۳. Beirut: Dar Sader.
- Javadi Amoli, Abdullah. (۲۰۱۸). *Tafsir Tasnim* Ch^۱. Qom: Asra Publishing House. [in Persian]
- Kilini, Muhammad bin Yaqub. (۱۹۸۶). *Al-Kafi*. Ch^۳. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.

- Karimiwala, Mohammadreza. Nasiri, Ruhollah. (۱۹۷۹). Qur'anic and narrative approach to the perceptual truth of the soul with Sadra's explanations. *Research on Quranic studies*. Year ۱۲. Number ۴۰. pp. ۱۸۳-۲۰۴.
- Majlesi, Mohammad Bagher. (۱۹۸۲). *Bihar Anwar Ch*^۱. Beirut: Dar Ihiya Altrath Arab.
- Mustafavi, Hassan. (۱۹۸۱). *Investigation of the words of the Qur'an*. Ch^۱. Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Motahari, Morteza. (۲۰۱۴). *Collection of works*. Ch^۱. Tehran: Sadra Publishing.
- Makarem-Shirazi, Nasser. (۱۹۹۰). *Sample interpretation*. Ch^۱. Qom: Dar al-Katb al-Islamiya.
- Mousavi Khomeini, Ruhollah. (۱۹۹۳). *Forty hadiths*. Ch^۱. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.
- _____. (۱۹۹۸). *Explanation of the hadith of wisdom and ignorance*. Ch^۱. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.
- Maybodi, Ahmed bin Abi Saad Rashiduddin. (۱۹۹۲). *Discovering Al-Asrar and Ade-e-Abrar*. Ch^۰. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Qureshi, Seyyed Ali Akbar. (۱۹۹۲). *Quran dictionary*. Ch^۶. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
- Razi, Mohammad bin Omar. (Fakhrrazi). (۱۹۹۹). *Mofatih al-Ghaib*. Ch^۳. Beirut: Arab Heritage Darah.
- Ragheb-Esfahani, Hossein-Ben Mohammad. (۱۹۹۹). *Al-Mufardat in Gharib al-Qur'an*. Ch^۱. Beirut: Dar al-Elm.
- Sanjari, Gholam Ali; Mehravaran, Mahmoud. (۲۰۱۸). Analysis of the theory of royal form in the embodiment of actions. *Journal of Theological Belief Studies*, No. ۳۶. pp. ۱۱۹-۱۴۴. [in Persian]
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad bin Ibrahim Qawam. (۲۰۱۲). *Al-Hikma al-Muttaliyyah in Al-Asfar al-Aqliyyah al-Arabah*. Ch^۱. Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation.
- _____. (۱۹۸۱). *Al-Hikmah al-Muttaliyyah in al-Asfar al-Aqliyyah al-Arabah*. Ch^۱. Beirut: Darahiya al-trath al-arabi.
- _____. (n.d.). *The beginning and the resurrection*. Ch^۱. Qom: Al-Maktaba al-Islamiya.
- Thaalbi-Nishabouri, Ahmad Ibn-Ibrahim. (۲۰۰۱). *Al-Kashf and Bayan on Tafsir al-Qur'an*. Ch^۱. Beirut: Dar Ehya Altoras Alarabi.
- Tehrani, Mojtaba. (۲۰۱۹). *The role of actions in the Day of Judgment: the measure of actions on the Day of Judgment*. Ch^۱. Tehran: Mesbah Al-Hoda Publishing. [in Persian]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (۱۹۹۶). *Tafsir al-Mizan*. Ch^۰. Qom: Community of Modaresin Publications.

واکاوی معنایی ماده «ح س ب» در تبیین کیفیت محاسبه اعمال؛ حلیمی جلودار و قربانی لاکتراشانی | ۵۷

Tabarsi, Fazl bin Hasan. (۱۹۹۳). *Al-Bayan Assembly in Tafsir al-Qur'an*. Ch^۱. Tehran: Nasser Khosrow Publications.

Tabari, Mohammad bin Jarir. (۱۹۹۱). *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Ch^۱. Beirut: Dar al-Marafa.

استناد به این مقاله: حلیمی جلودار، حبیب‌الله، قربانی، لاکتراشانی فاطمه. (۱۴۰۱). واکاوی معنایی ماده «ح س ب» در تبیین کیفیت محاسبه اعمال، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۱۳(۵۱)، ۲۷-۵۶.

DOI: ۱۰.۲۲۰۵۴/RJQK.۲۰۲۳.۶۹۳۴۵.۲۶۶۳



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial ۴,۰ International License.